

خط عربی و نوشتن قرآن کریم

سال یازدهم، شماره ۴

دکتر بتول علی نیا

نیست که نوشتن به زبان عربی قبل از ظهور اسلام رایج بوده است. در شبه جزیره عربستان کتابت به زبانهای عربی، سریانی، عبری و با بهره گیری از حروف فارسی بود. در این زمینه اشاره های زیادی در لابلای اشعار آمده است از جمله گفته معقل بن خویلد الهذلی^۱.

وإني كما قال مملی الکتاب
ب في الرق و إذ خطه الکاتب

وعدی بن زید از جمله عربهای فصیح بود که به فارسی و عربی می نوشت و به عنوان مترجم در ایوان کسری کار می کرد.^۲ نیازهای سیاسی و تجاری، انگیزه ای قوی برای عربها بود تا دست به کتابت و قرائت زبان عربی بزنند و به فرزندان خود تعلیم عربی و نوشتن را بیاموزند.

در دوره جاهلی کتابت در امور متعددی وجود داشت و علیرغم اینکه بیان می شود کتابت خیلی کم در میان عربها منتشر بود اما بکارگیری کتابت در امور زیر شیوع داشت:

۱. نوشتن کتاب مذهبی. عربها برای نوشتن کتاب دینی خود ترجیح می دادند به زبان عربی بنویسند.

۲. پیمان نامه ها و سوگند نامه ها به

زبان عربی نوشته می شد و در میان قبائل از افرادی که توانایی نوشتن عربی داشتند برای بستن عهد و نوشتن پیمان نامه ها دعوت می شد.

۳. برای حسابرسی امور تجاری و حقوق افراد از زبان عربی کمک می گرفتند.

۴. نامه هایی که به سایر سرزمین ها خیر می رساند به زبان عربی بود.

البته بکاربردن خط عربی به شکل رایج کنونی نبوده است اما کتابهای پیدا شده در میان عربها دلالت بر نوشتن به زبان عربی دارد.

اما در اینکه اولین کسی که به عربی نوشت چه کسی بود، اختلاف نظر است. بعضی مرامین مره و برخی حرب بن امیه و برخی غیر این دو را نام می برند. اما در بررسیهای تحقیقی می توان به این نکته پی برد که عربها در نوشتن از نبطی ها پیروی کرده اند. این انتقال از طریق حیره و دومة الجندل صورت گرفته است. مردی اهل دومة الجندل بر قریش منت می گذارد که آنها کتابت را از ایشان گرفته اند:

لا تجحدوا نعماء بشر علیکموا
فقد کان میمون النقیبة أذها
أناکم بخط الجزم حتی حفظتموا
من المال ما قد کان شتی مبعثرا

وأتقتموا ما کان بالمال مهملاً

و طامتموا ما کان منه

مفراً

فأجريتتم الأقلام

عددأو بدأة

وضا هیتمو کتاب

کسری و قیصرا

وأغیتتموا عن مُسند الحی

حمیر

ومازیرت فی الصحف أقیال

حمیراً

وقتی که اسلام آمد در مکه

افرادى بودند که خوب خواندن و

نوشتن می دانستند. هنگامی که

رسول (ص) به مدینه هجرت فرمود

تعداد زیادی از نویسندگان را یافت و

همچنین روایت شده که زیدبن ثابت زبان

عربی، سریانی، فارسی، رومی، قبطی



و حبشی تعلیم می داد. وی این را در زمان رسول (ص) از اهل زبان یاد گرفته بود. کاتبان حضرت رسول (ص) زیاد بودند و هر کدام به نوشتن کاری مشغول بودند. گروهی به کتابت کارها و نیازهای حضرت می پرداختند و دسته ای با معاملات و پیمان نامه ها مشغول بودند. و دسته ای هم به سران کشورها و حاکمان و بزرگان نامه نگاری می کردند. آموزش کتابت در دوره جاهلی منتشر بود اما بعد از ظهور اسلام گسترش یافت، حتی در صدر اسلام پیامبر (ص) در جنگ بدر شرط آزادی اسراء را آموزش خواندن و نوشتن قرار می دهد. پس خواندن و نوشتن در میان عربها بوده اما خط عربی از کتابت بنطی گرفته شد و برخی اصوات را بر آن افزوده شد، مثلاً حروف مد در بنطی نبوده الف و واو و یاء در کتابت آشکار نمی شد اما عربها این صداها را در نوشتن آوردند. به همین دلیل بسیاری از کلمات قرآن هنوز بدون مد مثل بنطی ها نوشته می شود مثل هذا، هولاء، أولئك، ذلک، لکن.

البته نظام کتابت عربی به دلیل برخورداری از در اصوات مستقل و یگانه است حرکات کوتاه رمز مستقلی برای خود ندارند و این اعتراض قابل طرحی است. چه بسا خواندن در بعضی اوقات عین نوشتن نیست اما گوشه ای از تاریخ کلمه را بیان می کند. کلمه «ابن» هرگاه در ابتدای کلمه بیاید با الف نوشته می شود و کلمه ای چون «خرجوا» بنا بر دلایلی نحوی که ارتباطی به لفظ ندارد با الف نوشته می شود تا میان واو اصلی و واو جمع اشتباه نشود.

عربها نوشتن بعضی از کلمات را از شکل کتابت آرامی ها گرفته اند مثل: الرحمن، اسحق، هرون، طه و سلیمان. اکنون هم هنوز به آنگونه نوشته می شود اما در عربی فصیح کنونی سعی شده به نزدیکترین شکل قرائتی آن نوشته شود و به خط مصحف عثمانی توجه نشود مثل اسحاق.

در روایات آمده که حروف بدون نقطه نوشته می شد و حرکات یاری دهنده اصوات تدوین نشده بود و بر اساس ذوق و سلیقه عمل می شد و کسی که عربی خوب می دانست می توانست خوب بخواند خواندن بدون نقطه و حرکت برای اجداد عربها کار آسانی بوده است و کمتر به زبان آسیب می رساند.

اما نقطه گذاری حروف اهمیت خاصی داشت زیرا تشخیص کلماتی چون «سوا» بدون نقطه مشکل بود. با وجودی که کتابت در میان عربهای جاهلی رایج بود اما تدوین کتابهای ادبی تا زمان صدر اسلام هم صورت نمی گرفت و

بیشتر نوشتن اشعار مخصوصاً معلقات قابل توجه بوده است و به نوشتن نثر فنی توجهی نمی شد. تدوین قرآن کریم بر کتابت عربی تأثیر گذاشت. آیات قرآن کریم انسانها را به خواندن و نوشتن تشویق می کرد:

«اقرأ وربك الأكرم الذي علم بالقلم» (سوره علق آیات ۳-۴) ن والقلم وما يسطرون (سوره قلم آیه ۱)

«یا ایها الذین آمنوا اذ اتدایتتم بسیدین الی اجل مسمی فاکتوبه» (بقره آیه ۲۸۲) این آیات دلالت قاطع بر شناخت عربها بر کتابت دارد. طبعاً قرائت درباره چیز مکتوبی است به همین دلیل کتابت در میان مسلمانان رایج بود و دستور الهی مبتنی بر خواندن و نوشتن قابل اجرا بوده است. تلاش حضرت رسول (ص) برای حفظ قرآن باعث اقدام جمعی از صحابه به نام کاتبان و وحی در نوشتن قرآن بود. کتابت مصحف بر اساس شکل رایج آن زمان صورت گرفت حتی ما در نوشتن برخی کلمات شکلهای مختلفی می بینیم و این بخاطر معرفت کاتب بوده است مثلاً دوبار «الایکه» در سوره حجر ۷۸ و قاف ۱۴ نوشته شده است و در سوره های الشعراء ۱۷۶ و صاد ۱۳ بدون همزه است. همچنین همزه استفهام به دو شکل مختلف نوشته شده همانطور در آیه شریفه آمده است: «أعدا کنا ثراباً وءاباؤنا أننا لَمخرجون» (نمل آیه ۶۷).

در کتابت همزه گاهی از قانون وصل تبعیت شده لذا همزه افتاده است و گاهی کلمات مصحف بر اساس قانون وقف نوشته شده مثلاً «لنُسَفَعاً بالنَّاصِیه» که لنسفعن با الف نوشته شده چون در هنگام وقف الف تلفظ می شود. کتابت قرآن بر اساس قاعده معین املائی صورت نگرفته که همه آن را بپذیرند و متفق القول باشند زیرا کاتبان وحی بر اساس علم خود می نوشتند. تا زمان رحلت رسول (ص) قرآن در مصحف پراکنده بود در یک کتاب جمع نشده بود اما در زمان ابوبکر بخاطر ترس از مرگ حفاظ قرآن، آن را در یک کتاب بدون هیچ دخالتی و تغییری قرار دادند. در زمان عثمان

قاریان در سرزمینهای مختلف منتشر شدند و به دلیل جلوگیری از اختلاف دستور داده شد تا با رسم الخط عثمانی قرآن تدوین شود بدین ترتیب اولین کتاب به عربی تدوین شد. ابوبکر و عثمان و کاتبان قرآن احساس نیاز به حرکت و نقطه گذاری قرآن نکردند چون آیات آن در دل و جان همه حفظ شده بود و عربها در زبان خود هرگز دچار اشتباه نمی شدند. اما مسلمان شدن تعداد زیادی غیر عرب باعث اختلاف قرائتها گشت بدنبال این اعمال سلیقه ها حرکت گذاری و نقطه گذاری قرآن کریم ضروری احساس



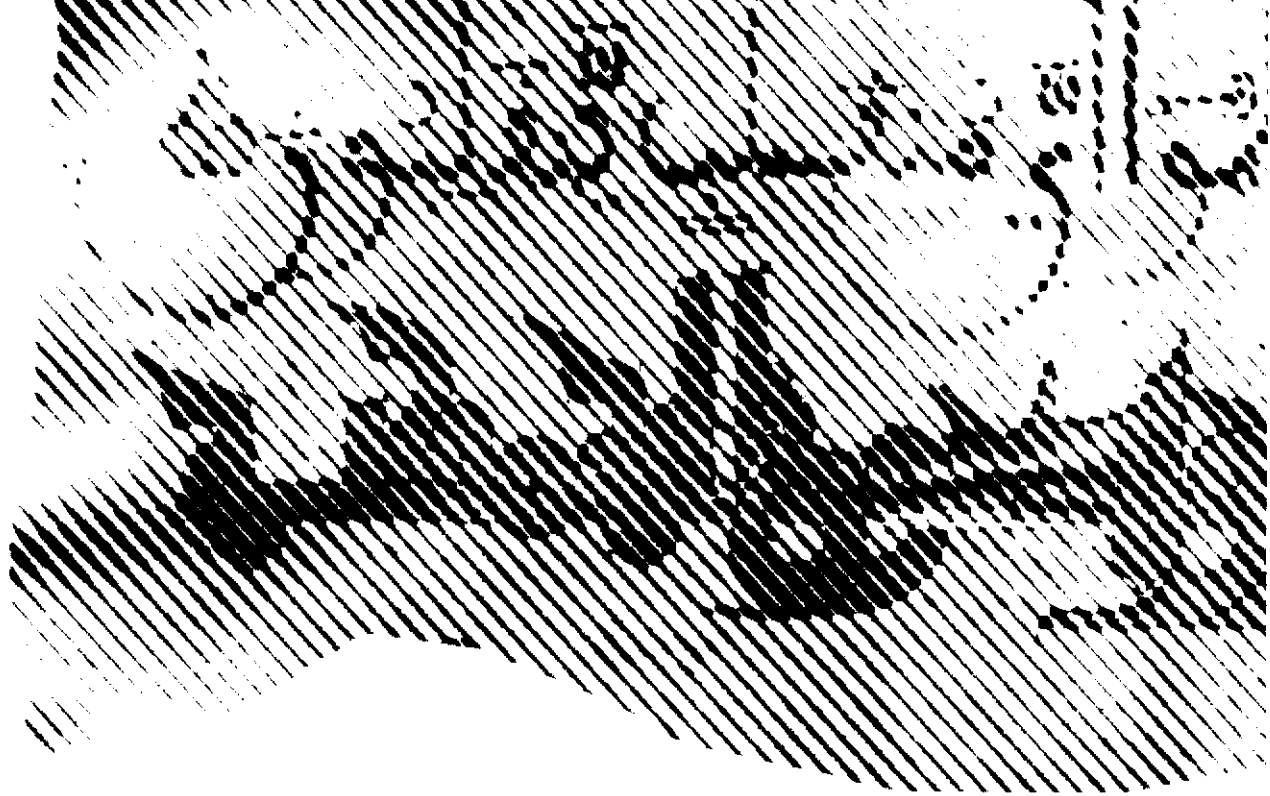
هنگام نظارت بر کاتبان وحی تعیین نموده است. تا زمانی که قرآن بر روایت و حفظ تکیه داشت مسلمانان نیاز به تعدیل کتابت آن نداشتند و تغییر شکل خطی آن را علماء در هر حالی منع کرده اند. کیفیت نوشتن حروف با توافق صورت پذیرفته است. از حضرت رسول (ص) روایت شده که به معاویه فرمود: «أَلْقِ الدَّوَاةَ، وَحَرْفَ الْقَلَمِ، وَانصِبِ البَاءَ، وَفَرِّقِ السِّينَ، وَلَا تَعْوَرِ المِيمَ، وَحَسِّنِ اللِّهَ، وَمَدِّ الرَّحْمَنَ، وَجَوِّدِ الرَّحِيمَ، وَضَعْ قَلَمَكَ عَلَى أُوذُنِكَ اليُسْرَى، فَإِنَّهُ أَذْكَرُ لَكَ.»^۴ این شکل تا کنون ادامه یافته است اما اختلاف سلیقه در نوشتن باعث تعدیل کتابت عربی گشته است. باید کتابت کلمه بطور آشکار معانی مورد نظر را در بر داشته باشد باید شکل جاری بر زبان آن کاملاً با معنای مورد نظر آن منطبق باشد. و تغییر نحوه نوشتن چون قراردادی است لذا به زبان آسیبی نمی رساند تا کنون قوانین کتابت تحول یافته است تا به شکل کوتاه تر و راحت تر آشکار گردد. درباره اصلاح کتابت در طول قرون بحثهای زیادی صورت گرفته و آثار بسیاری نوشته شده است و می توان به حنین بن اسحاق و بظلمیوسی و بیرونی اشاره کرد که هر کدام فصلهایی از آثار خود را به آن اختصاص داده اند.

ابن قتیبه در ادب الکاتب و ابن مکی صقلی در تثقیف اللسان و تلیق الجنان به اختلاف نظر پرداخته اند. وقتی کتابت امر توافقی باشد بالطبع عالمی پیشنهادی می دهد و در صورت قبول آن قاعده رایج می گردد و البته گاهی اختلاف نظرها پا برجا می ماند. با گسترش یافتن محدوده بلاد

شد. ابتدا ابو الاسود دؤلی نقطه گذاری کرد سپس شنیده شد مردی در خواندن آیه شریفه «إِنَّ اللّٰهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» دچار اشتباه شد و رسوله را با کسر لام قرائت کرد در این هنگام از کاتبی خواسته شد تا رنگ قلم را تغییر دهد و ابو الاسود به کاتب گفت: هرگاه دیدی که دهانم برای حرفی باز شد بالای آن یک نقطه بگذار و اگر دهانم جمع شد یک نقطه بین حروف بگذار و اگر لبم را کشیدم و به پایین بردم نقطه زیر حرف بگذار. بدین ترتیب ابو الاسود دؤلی اولین کسی بود که مصحف را نقطه گذاری کرد. اما اشتباه در قرائت ادامه داشت مخصوصاً در عراق چون غیر عرب زیاد بود. حجاج از شاگردان ابو الاسود «نصر بن عاصم» و «یحیی بن یعمر عدوانی» راه حلی را خواست. آنها نقطه را به شکلهای یک نقطه و دو نقطه قرار دادند و سعی کردند حروف و نقطه ها را با یک رنگ بنویسند تا نقطه جزء حرف باشد.

بدنبال قرار دادن نقطه امکان اشتباه بین حرکت و نقطه پیدا شد، نویسنده مجبور بود از دو رنگ استفاده کند. خلیل بن احمد فراهیدی به اقدام جدیدی دست زد و به جای نقطه هایی که حرکت را نشان می داد، علامتهایی معین کرد: «کَ فته، مَ کسه، نَ ضمه، هَ سکون خفیف، تَ سکون شدید (تشدید) صَ همزه وصل و مَ برای همزه.» خلیل این نشانه ها را در کتابهای زبان و ادبیات بکار برد و کم کم مردم آن را در نوشتن قرآن کریم بکار بردند و تا به امروز رایج شده است اما نوشتن کلمات در مصحف بدون تغییر و ابدال است و بر همان اساسی است که رسول اکرم (ص) در

تولید و توزیع



۶. اینکه بخوانیم تا بفهمیم نه برعکس آن. به دلیل نداشتن حرکت در نوشته‌ها باید ابتدا با فهم آن به قرائت پردازیم نوشتن بدون حرکت ما را دچار اشتباه می‌کند مثلاً «کتب» درست است.

به شکل‌های کتَب، کُتِب، کُتِبْ، کُتِبْ بخوانیم اگر حرکت نداشته باشد باید ابتدا جمله را بفهمیم و بعد بخوانیم مثلاً در «کتب خالد» معنای مورد نظر آشکار نیست مگر جمله کامل شود و اینگونه گفته شود: «کُتِبَ خالد رسالة» یا «کُتِبَ خالد نظيفة» یا «کُتِبَ خالد في سجل اشرف».

منابع:

۱. ابو سعید السکری، شرح اشعار الهمذلیین، ۱/۳۹۲.
۲. راغب اصفهانی، الأغانی، ۲/۱۰۱.
۳. ناصرالدین الأسد، مصادر الشعر الجاهلی، ۵۴.
۴. الجاحظ، البیان و التبیان، ۳/۷.
۵. د. محمود عباس حمودة، در اسات فی علم الکتابة العربیة، ۲۴.
۶. المسعودی، التنبیه و الاشراف، ۲۴۶.
۷. ابن عبدربه، العقد الفرید، ۴/۲۱۵-۲۱۶.

زیر نویس:

- ۱) ابو سعید السکری - شرح اشعار الهمذلیین ۱/۳۹۲.
- ۲) اصفهانی - الاغانی ۲/۱۰۱.
- ۳) السیوطی، المزهر ۲/۳۴۷.
- ۴) محمد عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن ۱/۳۷۰.

اسلامی در جاهای مختلف بین علماء اختلاف آراء در قوانین کتابت به وجود آمد، مثلاً در مصر شکل نوشتن بر اساس قاعده معینی صورت می‌گیرد و در همان زمان علمای شام یا عراق یا مغرب بر قاعده دیگری اتفاق نظر دارند. بیشترین اختلاف آراء در نوشتن همزه و بعد از آن الف می‌باشد. نمونه این اختلاف نظر درباره همزه وسط کلمه می‌باشد، برخی بر حرکت قوی تر تکیه دارند و همزه را مناسب آن می‌نویسند مثل یقرؤون و برخی بدون کرسی «یقرءون» می‌نویسند چون از توالی حروف شبیه به هم کراهت دارند و برخی آن را بر روی کرسی الف «یقرأون» می‌نویسند مثل همزه منظره که در اصل فعل قبل از دخول و او جمع می‌آید «یقرأ». تلاشهای مختلفی برای اصلاح خلل موجود در کتابت عربی انجام شده است و هدف رسیدن به اموری است که در ظاهر مشکل به نظر می‌رسد مهمترین آنها به قرار زیر است:

۱. رغبت در حفظ آنچه رایج است.
۲. علاقه به ایجاد وحدت در زمینه نوشتن و چاپ کردن در سراسر سرزمینهای عربی (اگرچه کار سختی است).
۳. قوانین کتابت پاسخگویی مشکلات باشد مخصوصاً در زمینه همزه و الف.
۴. در گذشته دلایلی برنوشته کلمات به شکل خاص وجود داشته که مربوط به حذف یا اضافه کردن بوده ولی آن دلایل به تکلم کنونی نرسیده است باید آن آثار را حفظ کنیم.
۵. مشکلات چاپی دستگاههای کنونی را در زمینه حرکات گذاری و چیدن حروف باید چاره جویی کرد.